

روم خواب را قائم کرتا ہے — نمبر پانچ

افشای منازعات مکرر نبوی در ادونتیسیم: درک غارتگران قوم تو

Jeff Pippenger

2024-08-09

در مقاله گذشته، شش خط نبوی مناقشه را که در تاریخ ادونتیسیم از دوره میلری تا زمان حاضر رخ داده‌اند، شناسایی کردیم. من بر آنم که نخستین و آخرین مناقشه درباره «غارتگران قوم تو» در آیه چهاردهم از باب یازدهم دانیال، از نظر نبوی یکسان‌اند. میلری‌ها «غارتگران» را روم می‌دانستند، و پروتستان‌ها تعلیم می‌دادند که «غارتگران» پادشاهی سوری به نام آنتیوخوس ایپفانس بوده است.

اور اُن اوقات میں بہت سے لوگ جنوب کے بادشاہ کے خلاف کھڑے ہوں گے؛ اور تیری قوم کے لٹیرے بھی روپا کو قائم کرنے کے لیے سر اٹھائیں گے؛ لیکن وہ گر جائیں گے۔ دانی ایل 11:14.

از آیه ده آغاز می‌شود و تا آیه پانزده ادامه می‌یابد، و در آن نبردی میان پادشاهی‌های مصر و سوریه به تصویر کشیده شده است. در این بخش، مصر پادشاه جنوب است، و پادشاه سوریه به‌عنوان پادشاه شمال معرفی می‌شود. آیه ده آنچه را مورخان آغاز جنگ چهارم سوریه در سال ۲۱۹ پیش از میلاد می‌نامند مشخص می‌سازد؛ آیات یازده و دوازده نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد و پیامدهای آن را نشان می‌دهند. سپس آیات سیزده تا پانزده نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد را مشخص می‌کنند. در آیات ده تا پانزده، پادشاه سوریه آنتیوخوس ماگنوس، فرمانروای امپراتوری سلوکی، است.

آیه دهم نمایانگر آن بخش از تاریخ است که در آن آنتیوخوس ماگنوس جنگی را برای بازپس‌گیری سرزمینی آغاز می‌کند که سال‌ها پیش از پادشاهی سلوکی گرفته شده بود. در این آیه، او در سال ۲۱۹ پیش از میلاد آن سرزمین از دست‌رفته را باز می‌ستاند، اما به‌طور موقت از تهاجمات خود دست می‌کشد و می‌کوشد قوت نظامی خویش را از نو سامان دهد. او مهار آن سرزمین از دست‌رفته را دوباره به دست آورده بود و تا مرز مصر، یعنی پادشاهی جنوبی که دودمان بطالسه بر آن فرمان می‌راند، پیش تاخته بود. میان سال‌های ۲۱۹ پیش از میلاد و ۲۱۷ پیش از میلاد، هم پادشاه جنوب و هم پادشاه شمال برای نبرد نزدیک رافیا طرح‌ریزی کردند.

نبرد رافیه در سال ۲۱۷ پیش از میلاد روی داد، و پادشاهی جنوبی مصر، که بطلمیوس بر آن فرمان می‌راند، بر آنتیوخوس مگنوس، پادشاه سوریه، که در این بخش نبوی پادشاه شمال است، غلبه یافت. سپس در آیات سیزده تا پانزده، هفده سال بعد، در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، آنتیوخوس مگنوس، که در آن هنگام با فیلیپ مقدونی اتحاد بسته بود، مصر را در نبرد پانیوم درگیر ساخت. پادشاهی جنوبی مصر در آن زمان پادشاهی کودک، پنج یا شش ساله، داشت، و آنتیوخوس مگنوس و فیلیپ نتوانستند از بهره‌برداری از پادشاه کودک مصر خودداری کنند، و آنتیوخوس مگنوس در نبرد پانیوم پیروز شد. سه آیه‌ای که نبرد پانیوم را باز می‌نمایانند، مشتمل بر آیه چهاردهم هستند، جایی که قدرتی جدید به روایت نبوی معرفی می‌شود.

لصوصُ شعبيك هم قوّة مغايرة لملك الجنوب المصري، أو لملك الشمال السلوقي، أو لفيليبس الحاكم المقدوني. وقد أدرك الميليتيون أن روما هي لصوص شعبيك. وإن إحدى الكلمات الجذرية العبرية المترجمة بـ«لصوص» تعني «الهادم» أو «المحطم». وتمثل روما الوثنية في النبوة على أنها القوة التي كانت ستحطم إلى قطع.

پس از این، در رؤیاهای شب دیدم، و اینک جانوری چهارم، هولناک و مهیب و بسیار نیرومند؛ و دندان‌های بزرگ آهنین داشت: می‌بلعید و خرد می‌کرد، و با پای‌های خود باقی‌مانده را پایمال می‌ساخت؛ و از همه جانورانی که پیش از آن بودند متفاوت بود؛ و ده شاخ داشت. دانیال ۷:۷.

هنگامی که اوریا اسمیت دربارهٔ راهزنان اظهار نظر می‌کند، از مورخی نقل‌قول می‌آورد که اشاره می‌کند راهزنان نمایانگر نقض‌کنندگان‌اند.

«اکنون قدرتی تازه معرفی می‌شود—”غارتگران قوم تو”؛ به گفتهٔ لفظی اسقف نیوتن، “درهم‌شکنندگان قوم تو.” دوردست، بر کرانه‌های تیبر، پادشاهی‌ای با طرح‌های جاه‌طلبانه و مقاصد تاریک، خویشان را پرورده بود. این پادشاهی که در آغاز کوچک و ضعیف بود، با شتابی شگفت‌انگیز در نیرو و توان بالید؛ با احتیاط، این‌جا و آن‌جا، دست دراز می‌کرد تا قدرت خویش را بیازماید و توان بازوی جنگاور خود را محک زند، تا آن‌گاه که، چون از قدرت خود آگاه شد، سر خویش را با جسارت در میان ملت‌های زمین برافراشت و سکان امور آنان را با دستی شکست‌ناپذیر به چنگ گرفت. از این پس، نام روم بر صفحهٔ تاریخ نقش می‌بندد؛ نامی که مقدر بود در طی اعصار دراز، بر امور جهان فرمان براند و حتی تا پایان زمان، نفوذی عظیم در میان ملت‌ها اعمال کند.»

«روم سخن گفت؛ و سوریه و مقدونیه به زودی دریافتند که دگرگونی‌ای در سیمای رؤیای ایشان پدید می‌آید. رومیان به حمایت از پادشاه جوان مصر مداخله کردند، با این عزم که او از هلاکتی که انطیوخس و فیلیپ برایش تدبیر کرده بودند محفوظ بماند. این در سال ۲۰۰ پیش از میلاد بود، و یکی از نخستین مداخلات مهم رومیان در امور سوریه و مصر به‌شمار می‌رفت. Uriah Smith, Daniel and the Revelation, 257

پیش‌بینی مطرح‌شده در این آیات، در حدود بیست سال، از ۲۱۹ ق.م. تا ۲۰۰ ق.م.، تحقق یافت؛ اما انبیا دربارهٔ ایام آخر بیش از روزگاری که خود در آن می‌زیستند سخن می‌گویند.

«هر یک از انبیای باستان کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما، به گونه‌ای که نبوت ایشان برای ما نافذ و جاری است. “1:12 all these things happened unto them for”
ensamples: and they are written for our admonition, upon whom the ends of the world are come.” 1 Corinthians 10:11. “Not unto themselves, but unto us they did minister the things, which are now reported unto you by them that have preached the gospel unto you with the Holy Ghost sent down from heaven; which things the angels desire to look into.” 1 Peter 1:12”

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر گرد آورده و به هم پیوسته است. همهٔ رویدادهای بزرگ و معاملات خطیر تاریخ عهد عتیق در این ایام آخر در کلیسا تکرار شده‌اند و در حال تکرار شدن هستند. Selected Messages، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.

اگرچه دانیال در آن دورهٔ بیست‌ساله‌ای که ما در نظر داریم زندگی نمی‌کرد، الهام از طریق نوشته‌های خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که بخش بزرگی از تاریخی که در دانیال یازده ثبت شده است، در تحقق نهایی دانیال یازده تکرار خواهد شد.

«ما هیچ زمانی برای از دست دادن نداریم. روزگارهای پرآشوب در پیش روی ماست. جهان با روح جنگ به تلاطم درآمده است. به زودی صحنه‌های آشوبی که در نبوت‌ها از آنها سخن گفته شده است، به وقوع خواهد پیوست. نبوت باب یازدهم دانیال نزدیک است که به تحقق کامل خود برسد. بخش بزرگی از تاریخی که در تحقق این نبوت رخ داده است، دوباره تکرار خواهد شد.»
Manuscript Releases, number 13, 394

آیات ده تا پانزدہ دانیال یازدہم، تاریخ ایام آخر را کہ بہ قانون یکشنبہ قریب الوقوع منتهی می شود، ترسیم می کند؛ زیرا آیہ شانزدہم مشخص می سازد کہ چہ زمانی روم، برای نخستین بار، «سرزمین جلال» را فتح کرد.

اما آن کہ بر ضدّ او می آید، موافق ارادۀ خویش عمل خواهد کرد، و هیچ کس در برابر او ایستادگی نخواهد توانست؛ و او در سرزمین جلال خواهد ایستاد، سرزمینی کہ بہ دست او نابود خواهد شد. دانیال ۱۱:۱۶

دانیال در نوشته های خود دو بار از تعبیر «سرزمین جلال» استفاده می کند. نخستین مورد در آیہ شانزدہم است، هنگامی کہ روم بت پرست واقعی بر سرزمین جلال واقعی یهودا غلبہ یافت.

"اگرچہ مصر شمال کے بادشاہ انطیوخس کے سامنے قائم نہ رہ سکا، تاہم انطیوخس بھی رومیوں کے سامنے قائم نہ رہ سکا، جو اب اس کے خلاف آئے۔ اب کوئی سلطنتیں اس ابھرتی ہوئی قوت کا مقابلہ کرنے کے قابل نہ رہیں۔ شام فتح کر لیا گیا، اور رومی سلطنت میں شامل کر دیا گیا، جب پومپی نے، 65 ق م میں، انطیوخس آسیاتیکوس کو اس کی املاک سے محروم کر دیا، اور شام کو ایک رومی صوبہ بنا دیا۔"

»ہمان قدرت ہمچنین می بایست در سرزمین مقدس بایستد و آن را فروبلعد. روم در سال 162 پیش از میلاد از راه اتحاد با قوم خدا، یعنی یهودیان، مرتبط شد، و از همان تاریخ جایگاهی برجستہ در گاہ شماری نبوی بہ دست می آورد. با این ہمہ، تا سال 63 پیش از میلاد از طریق فتح واقعی بر یہودیہ اقتدار قضایی نیافت؛ و سپس بہ شیوہ زیر. «Uriah Smith, Daniel and the Revelation, 259

آیت دیگر کہ دانیال در آن از تعبیر «سرزمین جلال» استفاده می کند، آیہ چهل ویک است.

او نیز بہ سرزمین جلال داخل خواهد شد، و کشورهای بسیاری سرنگون خواهند گردید؛ اما اینان از دست او رہایی خواهند یافت: یعنی آدوم، و موآب، و برگزیدگان بنی عمون. دانیال 11:41.

آیہ چهل ویک، البتہ، در پی آیہ چهل می آید، و آیہ چهل با این عبارت آغاز می شود: «و در زمان آخر.» خواہر وایت در نبرد عظیم، سال ۱۷۹۸ را بہ عنوان «زمان آخر» مشخص می سازد؛ بنابراین، آیہ چهل ویک تاریخی را مشخص می کند کہ پس از زمان آخر، یعنی در سال ۱۷۹۸، رخ می دہد.

»اما در زمان آخر، نبی می گوید: "بسیاری بہ این سو و آن سو خواهند شتافت، و معرفت افزودہ خواہد شد." دانیال ۱۲:۴... از سال ۱۷۹۸، کتاب دانیال گشودہ شدہ است، شناخت نبوت ها افزایش یافته است، و بسیاری پیام جدی داوری نزدیک را اعلام کردہ اند.» نبرد عظیم، ۳۵۶.

سرزمین جلال مذکور در آیہ چهل ویک، یہودای باستانی تحت اللفظی روزگاران گذشتہ نیست، بلکہ یہودای روحانی معاصر است. ایالات متحدہ، یہودای روحانی معاصر است، و آیہ چهل ویک، قانون یکشنبہ را کہ بہ زودی در ایالات متحدہ خواہد آمد، مشخص می سازد.

لیکن وہ پہلے نہیں جو روحانی ہے، بلکہ وہ جو طبعی ہے؛ اور اس کے بعد وہ جو روحانی ہے۔ ۱ کرتھیوں ۱۵:۴۶

آن قانون یکشنبہ با آیہ شانزدہم تمثیل شدہ است، زیرا «بخش بزرگی از تاریخی کہ رخ دادہ است» در تحقق دانیال یازدہم باید تکرار شود. آیات ده تا پانزدہ در ایام آخر، نمایانگر تاریخی هستند کہ پیش از قانون یکشنبہ واقع می شود و بہ آن منتهی می گردد.

پادشاہ شمال در آن پنج آیہ، و نیز پادشاہ جنوب، کہ تحقق آنان در پادشاہ سلوکی، آنتیوخوس ماگنوس، و پادشاہان مصری پادشاہی بطلمیوسی دیدہ شد، نمودگار قدرت ہایی ہستند کہ قانون تاریخ منتهی بہ قانون یکشنبہ بہ زودی فرارسندہ می باشند۔ این آیات تاریخ حرکت صد و چہل و چہار ہزار را مشخص می سازند، زیرا آیہ دہ فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی را در سال ۱۹۸۹ معین می کند، و آیہ شانزدہ قانون یکشنبہ بہ زودی فرارسندہ را۔

مسیح بر این آیات تأکید می نهد، از آن رو کہ آیہ دہ را با آیہ چہل و آیہ شانزدہ را با آیہ چہلویک منطبق می سازد۔ اشارہ مستقیم بہ سرزمین جلال تحت اللفظی، کہ نمونہ سرزمین جلال روحانی آیہ چہلویک است، پایان این شش آیہ است، و آیہ دہ آغاز آن است۔

چنان کہ مسیح اطمینان حاصل کرد کہ آیہ شانزدہم ارتباطی مستقیم با آیہ چہلویکم داشتہ باشد، ہمچنین آیہ دہم نیز ارتباطی مستقیم با آیہ چہلم دارد۔ تعبیر «طغیان کردہ، عبور خواہد کرد» در آیہ دہم، دقیقاً همان عبارت عبری است کہ در آیہ چہلم بہ «طغیان کردہ و خواہد گذشت» ترجمہ شدہ است۔ این عبارت تنها در یک موضع دیگر از کتب مقدس یافت می شود، اما در آنجا اندکی متفاوت از آیہ دہم و آیہ چہلم ترجمہ شدہ است۔ با این ہمہ، همان عبارت عبری است۔

او از یہودا خواہد گذشت؛ طغیان کردہ، سرریز خواہد شد؛ تا بہ گردن خواہد رسید؛ و گستردگی بالہای او پهنای سرزمین تو را پر خواہد کرد، ای عمانوئیل۔ اشعیا ۸:۸۔

عبارت «فرا گرفته و عبور خواہد کرد» در اشعیا همان معنای «طغیان کردہ، عبور خواہد نمود» در آیہ دہم و «طغیان کردہ و از آن خواہد گذشت» در آیہ چہلم را دارد۔ افزون بر این، ہر سہ آیہ حملہ ای از سوی پادشاہ شمال علیہ پادشاہ جنوب را توصیف می کنند۔ در اشعیا، پادشاہ شمالی آشور، سنحاریب، بہ یہودا، یعنی پادشاہی جنوبی اسرائیل، حملہ می کرد۔ در آیہ دہم، آنتیوخوس ماگنوس، پادشاہ شمالی امپراتوری سلوکی، بہ پادشاہی جنوبی مصر حملہ می کرد۔ در آیہ چہلم، پادشاہ شمال، یعنی قدرت پاپی، کہ در آغاز آیہ چہلم زخمی مہلک دریافت کردہ بود، بہ قدرت جنوبی خداناباور اتحاد جماہیر شوروی حملہ می کرد۔ ہر آیہ نمایانگر همان ساختار نبوی نزاعی میان پادشاہان شمال و جنوب است، و در ہر آیہ پادشاہ شمال «طغیان می کند و عبور می نماید»۔

شہادت اشعیا اور آیت دس دونوں اس امر کی نشان دہی کرتے ہیں کہ جب شمالی بادشاہ حملہ کرتا ہے تو جنوبی سلطنت کے دارالحکومت میں داخل ہونے سے پہلے ہی رک جاتا ہے۔ سنحاریب اپنی جنگ کو یروشلم کی فصیلوں تک لایا، اور اس سے آگے نہیں۔ 219 قبل مسیح میں، انطیوخس اعظم مصر کی سرحد تک آیا اور رک گیا۔ پھر دو سال بعد 217 قبل مسیح میں واقع ہونے والی رافیہ کی لڑائی میں وہ شکست کھا گیا۔ سنحاریب یروشلم کی فصیلوں تک آیا اور جب خدا نے مداخلت کی تو وہ اس جنگ میں ہار گیا۔

لہذا خداوند یوں فرماتا ہے کہ اسور کے بادشاہ کے بارے میں: وہ اس شہر میں داخل نہ ہوگا، نہ وہاں ایک تیر چلائے گا، نہ سپر لے کر اس کے سامنے آئے گا، اور نہ اس کے مقابلہ میں محاصرہ کا بند باندھے گا۔ جس راہ سے وہ آیا ہے، اُسی راہ سے واپس لوٹے گا، اور اس شہر میں داخل نہ ہوگا، خداوند فرماتا ہے۔ کیونکہ میں اپنے ہی سبب سے اور اپنے بندہ داؤد کے سبب سے اس شہر کی حمایت کروں گا تاکہ اسے بچاؤں۔ اور اس رات ایسا ہوا کہ خداوند کا فرشتہ نکلا اور اسوریوں کے لشکرگاہ میں ایک لاکھ پچاسی ہزار کو مارا؛ اور جب لوگ صبح سویرے اُٹھے تو دیکھو، وہ سب مردہ لاشیں تھیں۔ تب سنحاریب، اسور کا بادشاہ، روانہ ہوا اور واپس جا کر نینوہ میں رہنے لگا۔ پھر ایسا ہوا کہ جب وہ اپنے معبود نیسروک کے مندر میں سجدہ کر رہا تھا، تو اس کے بیٹوں ادرملک اور شراصر نے اسے تلوار سے قتل کر ڈالا؛ اور وہ ملکِ ارمنیہ کو بھاگ گئے۔ اور اس کا بیٹا اسرحدون اس کی جگہ بادشاہ ہوا۔ 2 سلاطین 32:19-37۔

در سال ۱۹۸۹، پادشاه شمال اتحاد جماهیر شوروی را جاروب کرد، اما بر پایتخت اتحاد جماهیر شوروی غلبه نیافت. روسیه همچنان بر جای ماند. نبرد بعدی، که در آیات یازده و دوازده به صورت نمادین تصویر شده است، نبرد رفح بود؛ نبردی که همچنین با سرنگونی سپاه سنحاریب و مرگ متعاقب او نمونه‌وار گردیده است، امری که دلالت بر پیروزی پادشاه جنوبی دارد، که در شهادت سنحاریب، یهودا بود، و در شهادت آنتیوخوس مگنوس، رفح.

آیه ده پیوندی مستقیم با آیه چهار برقرار می‌سازد، و آیه شانزده نیز پیوندی مستقیم با آیه چهلویک دارد. آیات ده تا شانزده نمایانگر تاریخ از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه‌اند. این آیه بیانگر تاریخی پنهان در آیه چهل است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ آغاز می‌شود و تا قانون یکشنبه ادامه می‌یابد. آیه ده همچنین «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش را به طور مستقیم به آن تاریخ پنهان مرتبط می‌سازد، اما آن خط حقیقت بیرون از آن چیزی است که ما در اینجا در صدد بیان آن هستیم.

در تاریخ میلری، نخستین شش مناقشه اصلی در درون آدونتیسم درباره شناسایی درست روم رخ داد، و موضوع آن این بود که دزدان آیه چهارده چه کسانی را نمایندگی می‌کنند. پروتستان‌ها معتقد بودند که آنان نماینده آنتیوخوس اپیفانیس هستند، و میلری‌ها آنان را روم شناسایی کردند. در آخرین مناقشه آدونتیسم درباره شناسایی درست روم نیز موضوع بر سر دزدان آیه چهارده است. یک گروه، که میلری‌ها نماینده آن هستند، در حال پاسداری از فهم بنیادی میلری‌هاست؛ فهمی که روح نبوت آن را تأیید کرده است.

«لقد رأيتُ أن مخطّط 1843 قد وُجّه بيد الرب، وأنه لا ينبغي تعديله؛ وأن الأرقام كانت كما أرادها هو؛ وأن يده كانت مبسوطة عليه وأخفت خطأ في بعض الأرقام، بحيث لم يستطع أحد أن يراه إلى أن رفعت يده». الكتابات المبكرة، 74.

وه مقدس نقشه 164 قبل مسيح کے اندراج کے ذریعے اس تنازع کی نشان دہی کرتا ہے۔

«164 مرگ انطیوخوس اپیفانیس، که البته در برابر امیر امیران برنخاست، زیرا 164 سال پیش از آنکه امیر امیران زاده شود، مرده بود.»

ارجاع آن مجادله بر نمودار مقدس، تنها حقیقتی را که بر نمودار مقدس بازنمایی شده و بر یکی از مقاطع نبوی کلام خدا مبتنی نیست، نمایان می‌سازد. بدین‌سان، نشانه‌ای را معرفی می‌کند، نه از تاریخ کتاب مقدس، بلکه از تاریخ ادونت، و «نباید تغییر داده شود»، زیرا آن مجادله چگونگی استوار شدن رؤیای نبوی را معین می‌سازد. رد آن حقیقت بنیادی، هم‌زمان به منزله رد اقتدار تأیید روح نبوت نسبت به نمودار مقدس است.

«آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر سازد. "جایی که رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شوند" (امثال 29:18). شیطان با زیرکی، به شیوه‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف، عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم باقی‌مانده خدا را به شهادت راستین متزلزل سازد. او رؤیاهای جعلی وارد خواهد کرد تا گمراه سازد، و دروغ را با راستی درهم خواهد آمیخت، تا مردم چنان منزجر شوند که هر آنچه نام رؤیاها را بر خود دارد، گونه‌ای تعصب افراطی به شمار آورند؛ اما جان‌های صادق، با سنجیدن دروغین و راستین در برابر یکدیگر، قادر خواهند شد میان آن دو تمایز نهند.» Selected Messages, book 2, 78.

آخرین مناقشه «غارتگران قوم تو» همان نخستین مناقشه است، و بدون درک آن نمادی که رؤیا را استوار می‌سازد، «قوم هلاک می‌شود.» آنان «هلاک می‌شوند» زیرا «شهادت روح خدا را بی‌اثر می‌سازند.»

دسته دیگر ادعا می‌کند که ایالات متحده به‌عنوان غارتگران آیه چهارده معرفی شده است. آن دسته ناتوان‌اند یا تمایلی ندارند ببینند که آنتیوخوس کبیر در آیات ده تا پانزده نماینده ایالات متحده است. همان‌گونه که پروتستان‌های تاریخ میلری ادعا می‌کردند که غارتگران آنتیوخوس بودند، آن دسته‌ای که مایل به دیدن نیست، غارتگران را همان قدرتی (ایالات متحده) می‌داند که آنتیوخوس نمونه آن است.

هجوم سنحاریب علی یهوذا، الذي بلغ إلى العاصمة، اورشليم، والذي أخفق، قاده قائد سنحاريب، ريشاقي.

اینابراین اکنون، تمنا دارم که نزد سرورم، پادشاه آشور، گرو بگذاری، و من دو هزار اسب به تو خواهم داد، اگر از جانب خود بتوانی سوارانی بر آنها بگماری. پس چگونه روی یکی از سرداران کمترین خادمان آقام را بازخواهی گردانید، حال آنکه برای ارابه‌ها و سواران بر مصر توکل می‌نمایی؟ آیا اکنون بدون یهوه بر این مکان برآمده‌ام تا آن را هلاک کنم؟ یهوه به من گفت: بر ضد این سرزمین برای و آن را هلاک کن. آنگاه ایلیاقیم پسر حلقیا، و شینا، و یواخ، به ریشاقي گفتند: تمنا داریم که با بندگانت به زبان آرامی سخن بگو، زیرا ما آن را می‌فهمیم؛ و با ما به زبان یهودیان در گوش مردمی که بر حصارند سخن مگو. اما ریشاقي به ایشان گفت: آیا آقام مرا نزد آقای تو و نزد تو فرستاده است تا این سخنان را بگویم؟ آیا مرا نزد مردمانی که بر حصار نشسته‌اند نفرستاده است، تا با شما سرگین خود را بخورند و بول خود را بنوشند؟ سپس ریشاقي ایستاد و با آواز بلند به زبان یهودیان ندا داد و سخن گفت و گفت: کلام پادشاه عظیم، پادشاه آشور، را بشنوید. ۲ پادشاهان ۱۸: ۲۳-۲۸

ریشاقي نه سخنان خود، بلکه سخنان سنحاریب، پادشاه آشور، را بیان می‌کرد. در دانیال ۱۱:۴۰، پادشاه شمال همان قدرت پایی است که در زمان آخر، در سال ۱۷۹۸، به دست فرانسه خداناباور، یعنی پادشاه جنوب، زخمی مهلک دریافت کرد. در این آیه، پادشاه شمال سرانجام تلافی می‌کند و در سال ۱۸۸۹ بر قلمرو جنوبی (اتحاد جماهیر شوروی) یورش می‌برد و از آن درمی‌گذرد. هنگامی که پادشاه شمال آن کار را به انجام رسانید، با خود «ارابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار» آورد. «ارابه‌ها و سواران» نمایانگر توان نظامی‌اند و «کشتی‌ها» نمایانگر قدرت اقتصادی. این نمادها ایالات متحده را به‌عنوان سپاه نیابتی روم پایی در پیروزی سال ۱۹۸۹ معرفی می‌کنند، چنان‌که ریشاقي نمونه آن بود. آنتیوخوس مگنوس در آیات ۱۰ تا ۱۵ نماینده ایالات متحده است، و همان‌گونه که ویلیام میلر به‌درستی تشخیص داد که واژه «نیز» در آیه ۱۴ بیانگر ورود قدرتی تازه به روایت نبوی است، «غارتگران» باید نمایانگر قدرتی متمایز از پادشاهان بطلمیوسی جنوب، یا آنتیوخوس، پادشاه شمال، یا فیلیپ مقدونی باشند.

«پادشاه جنوب» در این آیه، بی‌هیچ تردیدی، به معنای پادشاه مصر است؛ اما این‌که «دزدان قوم تو» به چه معناست، شاید برای برخی هنوز محل تردید باشد. این‌که نمی‌تواند به انطیوخس، یا هیچ پادشاهی از سوریه، اشاره داشته باشد، آشکار است؛ زیرا فرشته در چندین آیه پیش از این درباره آن قوم سخن گفته بود، و اکنون می‌گوید: «و نیز دزدان قوم تو» و غیره، که آشکارا دلالت بر قومی دیگر دارد. من می‌پذیرم که انطیوخس شاید یهودیان را غارت کرده باشد؛ اما این چگونه می‌توانست «رؤیا را استوار سازد»، حال آن‌که در هیچ جای رؤیا از انطیوخس به‌عنوان انجام‌دهنده عملی از آن نوع سخن نرفته است؛ زیرا او در رؤیا به آنچه «پادشاهی یونانی» نامیده می‌شود، تعلق داشت. باز، «رؤیا را استوار ساختن» باید به معنای یقینی ساختن، کامل کردن، یا به انجام رساندن همان باشد. ویلیام میلر، آثار میلر، درس گفتار ۶، ۸۹.

«انطیوخس» نامی بود که بسیاری از پادشاهان امپراتوری سلوکی سوریه برای خود برمی‌گزیدند. بنیان‌گذار آن امپراتوری سلوکوس نیکاتور بود، و در مجموع فهرست پادشاهان سلوکی جایی میان بیست‌وشش تا سی پادشاه را در بر می‌گیرد. بسیاری از آن پادشاهان نام «انطیوخس» را برمی‌گزیدند،

همان گونه که بسیاری از پاپ ها هنگامی که به مقام پاپی برگزیده می شوند، نام های تخت برمی گزینند. همه پاپ ها «ضد مسیح» هستند، که به معنای «بر ضد مسیح» است. واژه «ضد» به معنای «بر ضد» است. آنان به عنوان ضد مسیح ها، نام پدر روحانی خویش را، که شیطان است، بر خود نهاده اند. شیطان و پاپ ها هر دو در الهام به عنوان ضد مسیح معرفی شده اند.

«تصمیم ضد مسیح برای به انجام رساندن آن طغیانی که در آسمان آغاز کرد، همچنان در فرزندان نافرمانی عمل خواهد کرد.» Testimonies, جلد 9، 230.

پاپ نماینده شیطان است، و از این رو هر دو بر ضد مسیح اند، و بنابراین «ضد مسیح» هستند. آنان هنگامی که منصب پاپی را می پذیرند، نامی برای خود برمی گزینند و به نماینده زمینی شیطان بدل می شوند.

«برای تأمین منافع و افتخارات دنیوی، کلیسا برانگیخته شد تا لطف و پشتیبانی بزرگان زمین را بجوید؛ و بدین سان، چون مسیح را رد کرده بود، وادار شد که وفاداری و اطاعت خود را به نماینده شیطان—اسقف روم—تسلیم کند.» جدال عظیم، 50.

از اعمال ایشان آنان را خواهید شناخت، و پاپ ها همان کار را که شیطان انجام می دهد ادامه می دهند.

“از طریق پاپ روم، همان کاری در اینجا بر زمین دنبال شده است که پیش از اخراج رئیس تاریکی در صحن های آسمان دنبال می شد. شیطان در آسمان کوشید شریعت خدا را اصلاح کند و الحاقیه ای از آن خود بر آن بیفزاید. او داوری خود را برتر از داوری آفریننده اش قرار داد و اراده خویش را برتر از اراده یهوه نهاد، و بدین سان عملاً اعلام کرد که خدا می تواند دچار خطا شود. پاپ نیز همین راه را در پیش می گیرد و، با ادعای عصمت برای خود، می کوشد شریعت خدا را چنان تعدیل کند که با اندیشه های خود او سازگار شود، و می پندارد که قادر است اشتباهاتی را که گمان می کند در فرایض و اوامر خداوند آسمان و زمین می بیند، اصلاح کند. او عملاً به جهان می گوید: من قوانینی بهتر از قوانین یهوه به شما خواهم داد. این چه اهانتی است به خدای آسمان!” Signs of the Times, November 19, 1894

اگرچه سلوکس نیکیترون سلطنت سلوکیه کی بنیاد رکهی، تاہم بعد کے بہت سے بادشاہوں نے “انطیوخس” کا نام اختیار کیا، سلوکس کے اعزاز میں نہیں بلکہ اس کے والد کے احترام میں۔ سلوکس کے والد، انطیوخس، ایک معزز امیر اور شاہ مقدونیہ فلپ دوم کی خدمت میں ایک سپہ سالار تھے، اور فلپ دوم ہی سکندر اعظم کے والد تھے۔ اس شرافت نسب اور عسکری پس منظر نے سلوکس کے اپنے نمایاں کردار کی بنیاد مستحکم کرنے میں مدد دی اور سکندر اعظم کی وفات کے بعد اس کے اقتدار تک پہنچنے اور بعد ازاں عروج پانے کا سبب بنا۔

پادشاہی سلوکوس هنگامی استوار شد که او بر سه بخش از چهار بخش قلمرو اسکندر تسلط یافت. روم نیز برای آن که زمام امور را به دست گیرد و پادشاه شمال شود، سه قدرت جغرافیایی را مغلوب می سازد. هنگامی که سلوکوس مشرق و مغرب و شمال را تثبیت کرده بود، در روایت تاریخی پادشاه شمال گردید، و پایتخت او شهر بابل بود. بسیاری از پادشاهان پس از او، هنگامی که بر تخت شمال می نشستند، برای تکریم نیای سیاسی خویش، نام «آنتیوخوس» را برمی گزیدند. اگر بخواهید ببینید، این موازات به آسانی دیده می شود. اگر نخواهید، نمی بینید.

نام «آنتیوخوس» (Ἀντίοχος در یونانی) از عناصر یونانی «anti» (به معنای «بر ضد» یا «مقابل») و «ocheo» (به معنای «محکم نگاه داشتن» یا «حفظ کردن») گرفته شده است. پادشاهان شمال این نام را برگزیدند تا میراث سیاسی خود را با پدر حفظ کنند؛ همان گونه که ضد مسیح (پاپ ها) نیز هنگامی که فرمانروایی خود را آغاز می کنند، نام هایی برمی گزینند. همان گونه که پاپ ها نمایندگان پدر خود،

یعنی ابلیس، هستند، آنتیوخوس‌های امپراتوری سوریه نیز نمونه‌وار نمایندگان پدر خود به شمار می‌آیند. در این کاربرد، آنتیوخوس نماینده‌ای نیابتی از پدر ایشان را مجسم می‌سازد. نماینده نیابتی قدرت پاپی در سال ۱۹۸۹ ایالات متحده بود، و شهادت دنیوی رابطه میان ضد مسیح، پاپ ژان پل دوم، و رونالد ریگان را در کوشش ایشان برای فروپاشاندن اتحاد جماهیر شوروی سابق تأیید می‌کند.

در آیات ده تا شانزده، نخستین و آخرین آیه دارای ارجاعات مستقیم به آیات چهل و چهل و یک هستند. آیه ده به طور مستقیم نمایانگر آیه چهل است. آیه شانزده به طور مستقیم نمایانگر آیه چهل و یک است. این آیات بخشی از نبوت دانیال را نمایندگی می‌کنند که به ایام آخر مربوط است.

“مهر و موم شده کتاب مکاشفه نبود، بلکه آن بخش از نبوت دانیال بود که به ایام آخر مربوط می‌شد. کلام مقدس می‌گوید: «اما تو، ای دانیال، کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن؛ بسیاری به هر سو رفت و آمد خواهند کرد و معرفت افزون خواهد شد» (دانیال ۱۲:۴). هنگامی که کتاب گشوده شد، این اعلام صادر گردید: «دیگر زمانی نخواهد بود.» (مکاشفه ۱۰:۶ را ببینید). اکنون کتاب دانیال از مهر بیرون آمده است، و آن مکاشفه‌ای که مسیح به یوحنا داد باید به همه ساکنان زمین برسد. به واسطه فزونی معرفت، قومی باید آماده شوند تا در ایام آخر استوار بایستند....”

«در پیام فرشته اول، انسان‌ها فراخوانده می‌شوند که خدا، آفریننده ما را که جهان و هر آنچه را در آن است آفریده است، پرستش کنند. آنان به نهادی از پاپیت ادای حرمت کرده‌اند و شریعت یهوه را بی‌اثر ساخته‌اند؛ اما قرار است معرفت در این موضوع افزایش یابد.» Selected Messages, book 2, 105, 106

در زمان پایان، در سال ۱۹۸۹، شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال نمایانگر «آن بخشی از نبوت دانیال بود که به ایام آخر مربوط می‌شد.» این امر هنگامی شناخته شد که آن بخش در همان زمان گشوده گردید، و آن گشوده شدن موجب افزایشی در معرفت درباره «برپایی دستگاه پاپی، و از اثر انداختن شریعت یهوه» شد. آلفا و امگا همواره پایان را به وسیله آغاز به تصویر می‌کشد، و فرایند آزمونی که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، برای پدید آوردن دو طبقه از عبادت‌کنندگان طراحی شده بود.

و او گفت: ای دانیال، به راه خود برو، زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد و سفید گردانیده خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیران به شرارت رفتار خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ لیکن دانایان خواهند فهمید. دانیال ۱۲:۹، ۱۰.

اکنون ما در واپسین مرحله آن فرایند آزمون قرار داریم، زیرا جدال دزدان در آغاز ادونتیسم اکنون بار دیگر تکرار می‌شود. شناسایی دزدان به عنوان ایالات متحده، در حقیقت شناسایی انطیوخس به عنوان دزدان است. این همان جدال عیناً یکسان میلی‌ها و پروتستان‌هاست.

در پایان فرایند آزمون، همان‌گونه که در آغاز فرایند آزمون که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، شیر سبط یهودا «آن بخش از نبوت دانیال را که به ایام آخر مربوط می‌شد» مهرگشایی می‌کند. در سال ۱۹۸۹، این بخش شش آیه آخر دانیال باب یازدهم بود، و در پایان، تاریخ پنهان آیه چهل است که به وسیله آیات ده تا شانزده به طور نمادین نمایانده شده است.

در مقالات بعدی، بررسی شش خط مناقشه در تاریخ ادونتیسم را ادامه خواهیم داد. نخستین آن شش مناقشه، واپسین آن شش مناقشه را به تصویر می‌کشد. ما از نخستین و واپسین مناقشات بهره خواهیم گرفت تا آن چهار مناقشه دیگر را بر آن‌ها منطبق سازیم، آنگاه که عناصر دخیل در تلاش‌های دشمن پارسایی را برای بازداشتن قوم خدا از تقسیم صحیح «رؤیا» - که با نماد روم تثبیت شده است - آشکار می‌سازیم.

«اگر ہم ان لمحات کی اہمیت کو نہ سمجھیں جو تیزی سے ابدیت میں داخل ہوتے جا رہے ہیں، اور خدا کے عظیم دن میں کھڑے ہونے کے لیے تیار نہ ہوں، تو ہم بے وفا مختار ثابت ہوں گے۔ پہرے دار کو رات کے وقت سے آگاہ ہونا چاہیے۔ اب ہر چیز ایسی سنجیدگی سے ملبس ہے جیسے اس زمانہ کی سچائی پر ایمان رکھنے والے سب لوگوں کو محسوس کرنا چاہیے۔ انہیں خدا کے دن کے لحاظ سے عمل کرنا چاہیے۔ خدا کے احکام عدالت عنقریب دنیا پر نازل ہونے والے ہیں، اور ہمیں اس عظیم دن کے لیے تیار ہوتے رہنے کی ضرورت ہے۔»

«زمانہ ما گران بہاست۔ ما جز اندک، بسیار اندک روزهای فرصت نداریم تا خود را برای حیات آیندہ و جاودانہ آمادہ سازیم۔ ما ہیچ زمانی برای صرف کردن در حرکات بی هدف نداریم۔ باید بترسیم از این کہ از سطح کلام خدا بہ سرعت بگذریم۔» شہادت ہا، جلد ۶، ۴۰۷۔